هو العلیم

وظیفۀ افراد در زمان غیبت امام زمان علیه السّلام

و اشاره‌ای به اعمال شب نیمۀ شعبان

سلوک خانواده - 14 شعبان‌المعظّم 1419 ه‍.ق، طهران - جلسۀ دوم

استاد

آیة الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی

قدس الله سرّه

بسم الله الرّحمٰن الرّحیم

الحمدُ للّهِ ربّ العالَمینَ

و الصّلاةُ و السّلامُ علیٰ سیّدنا و نبیّنا

و حَبیبِ قُلوبِنا و طَبیبِ نُفوسِنا أبِی‌القاسمِ محمّدٍ

و علیٰ آلِهِ الطّیِّبینَ الطّاهرینَ و اللّعنةُ علیٰ أعدائِهم أجمعینَ

از اینکه دیر خدمت اعزّه و احبّه رسیدم عذرخواهی می‌کنم؛ حالم مساعد نبود. منتها چون دیدم که اگر بخواهم به تأخیر بیندازم، ممکن است موفق نشوم خدمت دوستان برسم و خُلف وعده کرده باشیم.

# تکامل عقول، پس از ظهور امام زمان علیه السّلام

امشب شب میلاد امام زمان علیه السّلام، شب تحقّق مَظهر عدل تام و اجرای حق و عدالت است. روایتی از پیغمبر اکرم نقل شده که فرموده‌اند ـ ظاهراً از امام صادق علیه السّلام است و مشابهش از پیغمبر اکرم است ـ:

إذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ اللهُ یَدَه علیٰ رُؤوسِ العِبادِ؛ فَتَمَّ به إیمانُهُم و کَمُلَ به عقلُهُم‌.[[1]](#footnote-1)

یعنی: «وقتی که امام زمان، حضرت بقیّةالله ارواحنا فداه ظهور کنند، خداوند دستش را روی سر همۀ مردم می‌گذارد و ایمان مردم به‌واسطۀ ظهور حضرت تمام می‌شود و عقل آنها کامل می‌شود.»

مطلبی که در این جا مطرح است اینکه مگر امام زمان علیه السّلام چه می‌کند؟ مطلب دوم اینکه آیا این مطلب در زمان غیر از ظهور آن حضرت امکان‌پذیر نیست و حتماً باید امام زمان ظهور کند؟ یعنی اجرای عدالت، این اجرای عدالت نیاز به ظهور ظاهری آن حضرت دارد یا اینکه برای افراد در غیر از زمان خود آن ظهور هم ممکن است و میسّر است؟ و به‌عبارت‌دیگر، آیا ما باید فقط منتظر ظهور حضرت باشیم و هیچ کار و عملی را نمی‌توانیم انجام بدهیم و چشم به ظهور آن حضرت باید بدوزیم، یا اینکه مطلب به صورت دیگری است؟

# نقدی بر تعیین‌کنندگان زمان ظهور

یک روز من خدمت یکی از بزرگان رسیدم به‌اتفاق بعضی از رفقا و دوستان خودمان. آن شخص در تمام مدت این مجالست و صحبت ـ که حدود یک ساعت و نیم طول کشید ـ دائماً صحبت از ظهور و زمان ظهور و آثار و علائم ظهور و «فلان کس خواب دیده در این تاریخ امام زمان ظهور می‌کند! فلان کس در مکاشفه دیده که حضرت یک عددی را برای او ترسیم کرده‌اند!» [صحبت می‌کرد] و می‌گفت:

من وقتی در فلان جا بودم ـ یکی از شهرها ـ در فلان سنین، خودم با بعضی از محاسبات و کارهایی که کردم به‌دست آوردم که حضرت در سال 1416 هجری قمری (یعنی همین دو [سه] سال پیش) ظهور می‌کند!

البته آن موقعی که ما خدمت ایشان رسیدیم شاید حدود هفت هشت سال پیش بود، و تمام این مدت به همین حرف‌ها گذشت. من از ایشان یک سؤال کردم، گفتم:

در اینجا چند مسئله مطرح است: مطلب اول اینکه این مطالبی را که شما نسبت به ظهور حضرت می‌فرمایید که: «در این سال ظهور می‌کند! فلان کس خواب دیده! فلان کس مکاشفه کرده!» و امثال‌ذلک، یا درست است یا غلط است؛ اگر این مسائل غلط است که چرا شما اینها را برای مردم مطرح می‌کنید، و چرا مردم را به اشتباه می‌اندازید؟! و چرا...؟! چون احتمال غلط بودن و باطل بودن می‌رود دیگر!

خُب، چطور اینکه دیدید باطل بود! یعنی ایشان به ما گفتند: «در سال 1416» الآن ما 1418 [1419] هستیم و هنوز این مسائل دیده نشده؛ پس معلوم است که این باطل بوده دیگر. گفتم:

اگر این مطالب غلط است، چرا شما بیان می‌کنید؛ و اگر این مطالب صحیح است چرا ما اینها را از ائمه نشنیدیم؟! این چه مصلحتی هست که امام علیه السّلام نباید برای مردم بیان کند که در سال هزار و چهارصد و چند ـ فرض کنید که ـ ظاهر می‌شود؟!

البته آن‌طوری‌که آنها مطرح می‌کردند به‌نحو کلی بود، اما به‌نحو خصوص بیان نکرده‌اند. گفتم:

این مطلبِ اول. و اما سؤال دوم اینکه بر فرض که این مطالب صحیح باشد، این مطالب برای کسی مفید است و به‌درد کسی می‌خورد که زمان ظهور حضرت را درک بکند. اگر شخصی قبل از ظهور حضرت از دنیا برود، ظهور حضرت به چه درد او می‌خورد؟ چه فایده‌ای دارد؟! حالا گیرم بر اینکه امام زمان علیه السّلام دو ماه دیگر ظهور کند، و من بدانم یک هفتۀ دیگر از دنیا می‌روم، به‌درد من چه می‌خورد؟! چه دردی ازدردهای مرا دوا می‌کند؟! و چه نفعی برای کمال من دارد ظهوری که حضرت دو ماه دیگر [می‌کند]؟!

 اگر قرار بر این باشد که بگوییم: « ظهور حضرت در آن موقع برای من فایده دارد!» ظهور برای کسی که هزار سال پیش هم از دنیا رفته، برای او هم فایده دارد! این همان معنا، ولایت غیبی است که ظاهر و باطن ندارد و سررشتۀ همۀ امور به دست اوست.

پس بنابراین، اینکه ما بیاییم و وقتمان را بگذرانیم به اینکه امام علیه السّلام کِی ظهور می‌کند و در زمان ظهورش چه می‌شود و امثال‌ذلک، این چه نفعی برای ما دارد؟! چقدر بودند افرادی که سابق مدعی ملاقات با امام زمان علیه السّلام بودند در همین دنیا و برای مردم حکایاتی نقل می‌کردند و برای مردم آثار و علائمی را بیان می‌کردند، اما الآن آنها در دل خاک خفته‌اند![[2]](#footnote-2) یعنی باطل! یعنی اینها همه باطل بوده دیگر.

# اهمیت اصلاح نفس خود قبل از ظهور

من خودم شنیدم از بعضی از افرادی که آنها به ضرس قاطع زمان ظهور حضرت را تعیین می‌کردند و بعد خودشان را هم از افرادی که در زمان ظهور هست، از آنها معرفی می‌کردند درحالتی‌که دو سال است که از دنیا رفته‌اند! حتی یکی از اینها آمده بود پیش پدر ما و یک شب به پدر ما گفته بود که ـ البته این قضیه که خدمتتان عرض می‌کنم، مال بیست سال پیش است ـ گفته بود: «آقا، من می‌خواهم به شما یک بشارت بدهم!» گفتند: «خب!» بعد به پدرمان گفته بود که: «یک بشارتی می‌خواهم به شما بدهم که باید یک سور بدهید ها! یک سور باید بدهید تا این بشارت [را بگویم]!» مرحوم پدرمان خندیده بود: «حالا شما بشارت را بده، إن‌شاءالله سور طلبت!» از این افرادی بود که در بعضی از این علوم عجیبه و غریبه و اینها یک مقداری اطلاعاتی داشت. گفت: «من حساب کرده‌ام در علم اعداد و جفر و اینها که شما جزء 313 نفری هستید که در رکاب امام زمان هستید!»

 پدر ما سه سال پیش از دنیا رفت! همان موقع هم ایشان [البته] رد نمی‌کرد، می‌خندید، مزاح می‌کرد، شوخی می‌کرد؛ [می‌فرمودند]: «إن‌شاءالله امیدواریم که ما را قبول کنند!» از این عبارت‌هایی که نه حکایت از ردّ مسئله است، نه حکایت از قبول آنهاست. ولی صحبت در این است که پدر ما معطل نشد که این امام زمان ظهور کند، [بلکه] همان موقع کار خودش را ساخت! اما آن بنده‌خدا همین‌طور به این انتظار بنشین، مجلس تشکیل بده، مردم را جمع کن، با آنها صحبت کن: «حضرت این موقع ظهور می‌کند! حضرت چه می‌کند!» بعد هم سر مردم را یک مقداری با همین حرف‌ها گرم بکنند و بعد هم هِی بگویند: «نشد و نشد و بداء شد و این‌طور شد!» این مطالب صحیح نیست. سر مردم را گرم کردن با این مطالب صحیح نیست. چرا انسان واقعیت را نیاید مطرح کند؟! چرا یک حقیقتی را نیاید مطرح کند؟! چرا آنچه که به‌درد مردم و به‌درد خودش می‌خورد آن را نیاید برای مردم مطرح کند؟!

امام زمان علیه السّلام اگر خدا توفیق داد به ما که چشممان به جمال منوّر ایشان روشن بشود ـ که با دنیا و آخرت برابری نمی‌کند ـ فَبِها، چه بهتر! و اگر توفیق پیدا نکردیم، بنشینیم دست روی دست بگذاریم و همین‌طور عاطل و باطل بمانیم تا اینکه امام زمان علیه السّلام ظهور کند؟! لعلّ اینکه مشیّت الهی بر زیارت ما جمال منوّر ایشان را تعلّق نگرفته باشد!

# سؤال از مرحوم حداد در کیفیت ملاقات با حضرت بقیّةالله علیه السّلام

یک روز خدمت مرحوم آقای حداد بودم. در آن موقع سنّم هفده سال بود. این قضیه مال بیست و پنج سال پیش است. ایشان یک ساعت راجع به مسائل دیگر... . این قضیه در کربلا اتفاق افتاد، در همان سفری که خود مرحوم آقا در کتاب روح مجرّد هم نوشته‌اند.[[3]](#footnote-3)

مرحوم آقا به‌اتفاق اخویمان از منزل بیرون آمدند و به‌سمت حرم، حرم سیدالشهدا حرکت کردند که زیارت کنند. قرار شد که من با مرحوم آقای حداد، یک یک ساعتی ایشان با من صحبت کنند و بعد من بروم به آنها ملحق بشوم. ایشان در بین صحبت‌هایی که ـ مطالبی به من فرمودند و سؤالاتی من کردم، ایشان جواب‌هایی دادند و اینها ـ من رو کردم به مرحوم آقای حداد گفتم که: «آقا، رؤیت ظاهری امام علیه السّلام از نقطۀ نظر سلوک آیا برای سالک ضروری است؟ ضرورت دارد؟» ایشان یک خنده‌ای کردند و به من فرمودند:

سالک هدفش و غایتش معرفت و رسیدن به باطن امام علیه السّلام است! این منظور سالک است.

هدف سالک با هدف سایر مردم تفاوت دارد. شما الآن نگاه کنید ببینید خیابان‌ها را جشن بستند، آیین بستند و تکایا، اینها، شعر می‌خوانند، شادی می‌کنند، شیرینی می‌دهند؛ اینها همه‌اش درست، اینها همه‌اش باید این‌طور باشد، باید این‌طور باشد، باید شادی باشد، باید جشن باشد، شعائر دین واجب است در حکومت اسلام و در مملکت اسلام انجام بشود و متأسفانه ما مسلمان‌ها و به‌خصوص ما شیعیان نسبت به این قضیه اتفاقاً کوتاهی می‌کنیم!

# اهمیت تعظیم شعائر دینی و عدم غفلت از باطن

پارسال بود من در سفری که در لبنان داشتم، یک شب به‌اتفاق بعضی از دوستان که بیرون آمده بودیم، [دیدیم] خیلی شهر شلوغ است، جشن است و از این ترقه‌بازی‌ها و خیلی اصلاً یک بساطی بود، خیلی عجیب! سؤال کردیم: «مگر امشب چه خبر است؟» گفتند: «امشب یکی از اعیاد مسیحی‌ها است!» شب تولد نبود، شب چیزی نبود، یکی از اعیاد مسیحی‌ها [بود]؛ جلوی ماشین‌ها را نگه می‌داشتند و شیرینی می‌دادند، همین مسیحی‌ها! شیرینی می‌دادند، نُقل می‌دادند به‌زور، خلاصه محبت می‌کردند.

چند روز بعدش، روز 17 ربیع، روز میلاد پیغمبر اکرم بود و من یک چراغ ندیدم در این بیروت راجع به میلاد پیغمبر روشن بشود؛ با اینکه دو سوم جمعیت، بلکه سه چهارم جمعیت آنها را مسلمان‌ها ـ اعمّ از اهل‌تسنّن و شیعه ـ تشکیل می‌دهد! ببینید، چقدر این مسئله مهم است. در محلۀ شیعه‌نشین بیروت ـ که همین محلّی بود که آن ساختمانی که ما بودیم در آنجا بود ـ در شب میلاد پیغمبر فقط یک نفر را ما دیدیم که یک ظرف شکلات دستش گرفته بود کنار خیابان، و ماشین‌هایی که رد می‌شدند هم‌چین دستش را نگه داشته بود حالا یکی برمی‌داشت، یکی برنمی‌داشت. این آنچه را که ما دیدیم. درست شد؟! اینها تمام یک روزی باید حساب پس بدهند!

تعظیم شعائر دین از اهمّ واجبات است! ما فرزندانمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم، بچه‌هایمان را با این فرهنگ باید بار بیاوریم. می‌دانید معاویه چه‌کار می‌کرد؟ برمی‌داشت عسل می‌فرستاد خانۀ این و آن و می‌گفتند: «بگویید معاویه فرستاده!»[[4]](#footnote-4) غذا می‌فرستاد خانۀ اینها و... . بچه چه می‌فهمد؟! بچه نگاه می‌کند، می‌بیند کسی که به او محبت می‌کند، [به او] علاقه پیدا می‌کند، بزرگ هم [همین‌طور].

باید در مملکت و در حکومت اسلام نسبت به شعائر دینی و مناسباتی که مربوط است به ائمۀ هدی صلوات الله علیهم أجمعین، به‌خصوص امام زمان عجّل الله تعالیٰ فرجه الشّریف باید سنگ‌تمام گذاشته بشود. ما هرچه داریم از ائمه داریم و هرچه داریم از امام زمان علیه السّلام داریم. در رأس شعارهای ما تأسّی به امام زمان علیه السّلام باید قرار بگیرد و بقیه تحت‌الشّعاع باید باشد، در رأس شعارهای ما متابعت از ائمه علیهم السّلام باید قرار بگیرد [و] بقیۀ اشیاء باید تحت‌الشّعاع باشد! من کی هستم؟! امثال من چه کسانی هستند؟! من و امثال من، تمام ما ریزه‌خوار این خوان و ریزه‌خوار سفرۀ انعام ائمۀ معصومین علیهم السّلام هستیم.

الآن این مسائل باید مورد توجه قرار بگیرد. اما صحبت در اینجا این است که این شعارها و این نشاط‌ها و این مسائل، اینها یک جنبۀ ظاهری دارد، یک جنبۀ ظاهری دارد که در جَنب این جنبۀ ظاهر، آن حقیقت نباید فراموش بشود. بیاییم و جشن بگیریم و شادی کنیم و شیرینی پخش کنیم برای امام زمان علیه السّلام، بعد از او می‌پرسند که نمازت را خواندی یا نه؟ می‌گوید: «نه، نماز نخواندم، نمازم قضا شده!» می‌گویند چرا نمازت قضا شده؟ می‌گوید: «جشن مهم‌تر است، جشن از نماز مهم‌تر است! جشن از...!» اینها، سالک در این مسیر حرکت نمی‌کند؛ سالک علاوه بر رعایت مسائل ظاهر، به آن حقیقتی می‌پردازد که برای آن حقیقت این جلوات در خارج بروز و ظهور پیدا می‌کند.

# دیدگاه مرحوم حدّاد در خصوص دیدار با امام زمان علیه السّلام

ایشان به من فرمودند:

اگر می‌خواهی امام زمان علیه السّلام را ببینی، من یک دستورالعمل به تو می‌دهم [که] بعد از ده روز حضرت را می‌بینی و با ایشان صحبت می‌کنی و دستورالعمل این است.

به من دستورالعمل را دادند، ولی فرمودند:

اما اگر طالب دیدار باطن هستی و می‌خواهی به آن حقیقت و ولایت برسی، دنبال دیدن ظاهر و اینها نباید باشی؛ ولی اگر می‌خواهی، دستورالعمل من همین است.

و من انجام ندادم آن دستوالعمل را! چرا؟ چون دیدم این دیدن ظاهر، این دیدن، دیدن نفس است؛ خوشم می‌آید که من امام را دیده باشم، خوشم می‌آید که من حضرت را بروم ببینیم، خوشم می‌آید! اگر من حضرت را ببینم و حضرت بگویند: «برای چه آمدی و خواستی ما را ببینی؟ حالا ما را دیدی، خیالت راحت شد؟ حالا دیدی، آیا به دستورات من عمل کردی؟ آیا آنچه که مورد رضایت من است انجام دادی؟» خلاصه اگر از من پرسیدند که: «تو در برون چه کردی که درون خانه آیی»[[5]](#footnote-5) ما چه جوابی داریم بدهیم؟!

# شرط مجالست و مصاحبت با امام زمان علیه السّلام

این بود مرام و مکتب اولیا و بزرگان! اولیا و بزرگان خودشان را معطل ظهور امام زمان نکردند؛ امام زمان را در هر حالی در کنار خودشان مشاهده کردند. الآن امام زمان علیه السّلام در همین مجلس حضور دارد، امام زمان علیه السّلام در تک‌تک منازل ما و شما حضور دارد، امام زمان علیه السّلام با تمام شراشرِ وجود ما و شما ـ عرض می‌شود که ـ مصاحبت دارد و مجالست دارد و همچون موم در دست آن حضرت ما در تقلاّ و در تکاپو هستیم! امام زمان این‌طوری است، نه‌اینکه یک شخص خارجی که فقط ارتباطش در صورتی است که حجابی نباشد، مانعی نباشد، ما بخواهیم او را ببینیم. آن وقتی که ما توجه به امام کردیم آن موقع امام در قلب ما است! آن موقعی که نماز را با حضور خواندیم، بدانیم در آن موقع امام زمان علیه السّلام در خانۀ ما بوده! مسئله از این قرار است.

## حضور امام زمان علیه السّلام در قلوب طاهره

دیده‌اید امواج چطور... . الآن این وسایل و دستگاه‌هایی که در اینجا هست، اینها امواج را چه‌کار می‌کنند؟ اینها ضبط می‌کنند. درست است؟ امواج هست، امواج از هر جهت در این اطاق هست؛ امواج رادویی هست، امواج تلویزیونی هست، امواج صوتی هست، امواج کوتاه و بلند در اینجا هست، تمام اینها وجود دارد. [اما] صحبت در آن گیرنده است! اگر گیرنده را شما تنظیم کنید، پیچش را بپیچانید، تنظیم کنید روی آن ایستگاه، آن را می‌گیرد؛ اگر یک مقداری فاصله بدهید، نمی‌گیرد، سر و صدا می‌کند، خش‌خش می‌کند. چرا؟ چون هنوز آن گیرنده روی ایستگاه تنظیم نشده. آن وقتی که شما نمازتان با حضور قلب بود، آن موقع گیرندۀ شما روی ایستگاه تنظیم شده، سِت شده، آن موقع!

اگر نماز بدون حضور قلب باشد، هنوز یک سانت با ایستگاه فاصله دارید؛ خش‌خش می‌کند! و چون امام طاهر است، در قلب طاهر می‌آید، در قلب غیر طاهر نمی‌آید. امام حق محض است، امام طهارت محض است، امام علیه السّلام قدس و صفای محض است؛ این نیاز به هیچ محکی ندارد! شما وقتی که در وجود خودتان حالت روحانیت دیدید، بدانید که در آن موقع مورد توجه حضرت هستید؛ اگر در خودتان حالت روحانیت ندیدید، بدانید نیستید! محک نمی‌خواهد! حالا امام زمان علیه السّلام بیاید و شما هم او را ببینید، چه فایده؟! چه نتیجه؟! درست شد؟!

# تفاوت اهداف ظهور برای سالکین إلی‌الله و غیر آنها

پس بنابراین، هدفی که در آن هدف امام صادق علیه السّلام می‌فرماید: «إذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ اللهُ یَدَه علیٰ رُؤوسِ العِبادِ؛ فَتَمَّ به عقولُهُم و کَمُلَ به إیمانُهُم.»[[6]](#footnote-6) آن هدف برای کیست؟ برای مردم عوام است. بله، برای مردم عوام ظهور حضرت مفید است؛ امنیت برقرار می‌شود، عدالت برقرار می‌شود، اطمینان برقرار می‌شود، مظاهر فساد همه از بین می‌روند. اما برای آن سالک و برای آن کسی که از هر دقیقۀ عمر... [قطعی صوت]. کی ضرر کرده؟ خودش ضرر کرده... [قطعی صوت].

در آن جلسۀ روز گذشته خدمت دوستان از اخوه و برادران این مطلب را در آنجا عرض کردم[[7]](#footnote-7) ـ اگر شنیده باشید ـ که: هر لحظه از عمری که خداوند در این دنیا به ما بدهد، یک لحظه از عالم برزخ را کم می‌کند! یعنی اگر قرار بر این باشد که برای کمال انسان، خدا در این دنیا بخواهد پنجاه سال عمر بدهد، به همان مقدار که کم داده در عالم برزخ اضافه می‌کند؛ و اگر در اینجا آن نصیب از حیات دنیوی را به انسان داده باشد، دیگر در عالم برزخ خبری نیست! هیچ خبری نیست. پس بدانید این لحظاتی که در این دنیا از ما می‌رود به‌جایش نه در این دنیا و نه در آن دنیا نخواهد آمد! حساب دارد. این می‌شود خدای عادل، خدای عادل... . نگویید که چرا ـ فرض کنید که ـ فلان کس در بیست‌سالگی از دنیا رفت؟! توقع داشتید چقدر در این دنیا بماند برای‌اینکه به کمال برسد؟ اگر شخص در راه باشد و در بیست‌سالگی از دنیا برود، فرض کنید که پانزده سال طول می‌کشد برای‌اینکه این به کمال برسد، خدا سیزده سال از آن دنیا در عالم برزخ برای این قرار می‌دهد! اینجا از تو کم گذاشتند، آنجا اضافه [می‌کنند].

به هوای بعد از مرگ و پس از مرگ و امثال‌ذلک ننشینید؛ این سرمایه‌ای است که از بین می‌رود و دیگر به‌جای آن برنمی‌گردد! حالا با توجه به این قضیه، چطور ما می‌توانیم دست روی دست بگذاریم و تمام استعدادها و قُوا و آن جهاتی که خداوند برای رسیدن به فعلیت و کمال در وجود ما قرار داده، آنها را عاطل و باطل به لهو و لعب و به امید ظهور امام زمان علیه السّلام همین‌طور [تلف کنیم]! دلمان را خوش کنیم به اینکه «این‌طور خواهد شد؛ آن‌طور خواهد شد؛ فلان می‌شود؛ ستاره اگر آنجا بیاید، در آسمان، دلالت بر ظهور می‌کند؛ از مشرق اگر فلان قضیه اتفاق بیفتد، چه خواهد شد؛ از سوریه اگر ـ فرض کنید که ـ سفیانی می‌گویند ظهور بکند، دیگر موقع ظهور حضرت است!»[[8]](#footnote-8) شما اصلاً می‌دانید که فردا زنده هستید یا نه؟! حالا گیرم بر اینکه سفیانی هم ظهور بکند، وقتی من نباشم چه فایده دارد؟! برای من چه فایده‌ای دارد؟!

# اهمیت پیاده کردن اهداف ظهور در وجود خود

لذا ما در این دنیا باید در صدد این باشیم: آن اهدافی که در زمان ظهور حضرت بقیّةالله ارواحنا فداه برای عامۀ مردم حضرت می‌آورد، ما آنها را در زمان غیبت انجام بدهیم! این مهم است. آنچه را که امام علیه السّلام با ظهور خود و با حضور خود به‌عنوان تکلیف و به‌عنوان نردبان برای فعلیتِ کمالات برای انسان می‌آورد، آنها را [به‌دست بیاوریم و] ما منتظر ظهور حضرت نشویم. کلمات آن حضرت هست، بیانات آن حضرت هست، نامه‌هایی که آن حضرت داده‌اند هست، سؤال و جواب‌ها هست، از سایر ائمه هست، ما چیزی کم نداریم که منتظر ظهور امام بشویم و خلاصه بخواهیم با ظهور امام رفع نقایص خودمان را بکنیم! مگر این‌همه از بزرگانی که در زمان غیبت به مقام ولایت و طهارت و اینها رسیدند، مگر اینها منتظر ظهور شدند؟!

یک بار من در تمام مدت عمر مرحوم آقا ـ رضوان الله علیه ـ نشنیدم که ایشان در صحبت‌هایشان، در جلساتشان، تشویق کنند دوستانشان را [و] رفقایشان را با این مسائل: «حضرت کِی ظهور می‌کند و در چه تاریخی خواهد آمد و فلان!» نه، نشنیدم.

تمام توجه ایشان و تمام توجیه ایشان، دوستان خودشان را در این راستا متوجه عمل به تکلیف، متوجه عمل به تکلیف بوده. اگر این کار را انجام دادید با آن حضرت معیّت دارید.

# پاسخ علامه طهرانی در کیفیت ارتباطشان با حضرت ولیّ‌عصر علیه السّلام

یک روز یکی از دوستان از مرحوم آقا سؤال کرده بود و گفته بود که: «آقا، ارتباط شما با امام زمان علیه السّلام چه‌جوری است؟» البته ایشان خب، جوابی که به او دادند عرض می‌کنم، اما باز مطلب بالاتر از این است. ایشان فرمودند:

مثل‌اینکه الآن من اینجا نشسته‌ام (ایشان طبقۀ بالا بودند، فرض کنید که طبقۀ بالای اینجا) من اینجا نشسته‌ام، امام علیه السّلام اینجا نشسته باشند! من [که] اینجا نشسته‌ام، چطور بر افرادی که در طبقۀ پایین و در منزل و اینها بازی می‌کنند، صحبت می‌کنند، حرکت می‌کنند، احاطه و اشراف دارم و مواظبم کسی صدایش بلند نشود، کسی تخطی نکند، کسی مثلاً شیطونی نکند و امثال‌ذلک، امام علیه السّلام هم با من مثل همین است! انگار طبقۀ بالا نشسته‌اند و من طبقۀ پایین، و از آنجا دارد [مرا اداره می‌کند]!

البته این جوابی که باز ایشان داده‌اند مطابق با فهم اوست، [ولی] مسئله خیلی از اینها بالاتر است، خیلی بالاتر و دقیق‌تر است! و این مسئله است.

خب، گفته‌اند: «ره چنان رو که رهروان رفتند!»[[9]](#footnote-9) اینها را که ما دیدیم که هِی وعدۀ به ظهور و اینها دادند همین‌طور، از دنیا رفتند و به وعده‌های خودشان هم نرسیدند! اینکه با چشممان دیدیم. [اما] این‌طرف که در مطالب دیگر و مسائل دیگر حرکت کردند، نتایج اینها را هم دیدیم. حالا گروهی این، گروهی آن پسندند![[10]](#footnote-10) این دیگر، این گوی و این میدان. گفت: «گر گدا کاهل بود، تقصیر صاحب‌خانه نیست!»[[11]](#footnote-11)

# عدم تفاوت غیبت و ظهور امام علیه السّلام

امام علیه السّلام موت و حیات ندارد، کوچک و بزرگی ندارد، غیبت و ظهور ندارد. همین‌که شما در اینجا جمع شده‌اید در این روز، روز چهاردهم و شب نیمۀ شعبان و آمده‌اید در اینجا و خواسته‌اید حالا دیگر از باب قحط‌الرّجالی و دیگر چه عرض کنم دیگر، از باب تأسف و تأثر و بدشانسی اسمش را بگذاریم، حالا دیگر یک وقتی، دقایقی از عمرتان را ـ عرض می‌شود که ـ در صحبت با ما بگذرانید؛ همین قضیه و این نیت شما که شما را به اینجا آورده، کی آورده؟ چرا شما جای دیگر نرفتید؟ چرا مانند بقیۀ افراد به مسائل دیگر نپرداختید؟ این چیست قضیه؟ این امام علیه السّلام است. درست شد؟!

## اهمیت حاضر دیدن امام زمان در کنار خود

این، احاطۀ مقام ولایت به این می‌گویند. به این می‌گویند که بیاید و توفیق بدهد و راه بیندازد و حرکت بدهد و ـ عرض کنم حضورتان که ـ انسان را ببرد. و بدانید که در تمام لحظات و در تمام دقایق و در تمام خطورات، اول او را حاضر ببینید و اول او را ناظر ببینید و بعد آن حرفی را که می‌خواهید بزنید، آن قدمی را که می‌خواهید بردارید، آن عملی را که می‌خواهید انجام بدهید. اول وجود حضرت را در کنار خودتان حاضر ببینید، مثل‌اینکه من الآن دارم صحبت می‌کنم! می‌دانید چه می‌خواهم بگویم؟!

یک روز ـ عرض کنم که ـ مرحوم آقا این سؤال را از من کردند... . بله، یا خودم به ایشان عرض کرده بودم، حالا نمی‌دانم راجع به چه مسئله ای بود. من داشتم با ایشان صحبت می‌کردم، عرض کردم گفتم:

آقا، من وقتی که دارم با یک شخص صحبت می‌کنم، اگر امام علیه السّلام هم اینجا در کنارم باشد همین‌طوری حرف می‌زنم، همین‌طوری! یعنی می‌خواهم این‌طور باشم.

یعنی این حالت حضور امام علیه السّلام را هر کدام از ما در هر عملی که می‌خواهیم انجام بدهیم، باید در کنار خود مشاهده کنیم. آن‌وقت شما ببینید اگر واقعاً افراد بخواهند به این مطلب عمل کنند، چه وضعی پیش می‌آید، چه اوضاعی پیش می‌آید! دیگر کسی می‌تواند به کسی دروغ بگوید؟! دیگر کسی می‌تواند به کسی تهمت بزند؟! دیگر کسی می‌تواند به کسی نیت بد کند؟! تمام اینها چیست؟ همۀ اینها از بین می‌رود. یک چند روزی امتحان کنیم، یک مدتی امتحان کنیم، اگر بدی دیدیم کنار می‌گذاریم، کاری ندارد! اگر نتیجه‌اش برایمان روشن و ملموس بود، دیگر در آن‌صورت انسان عاقل و انسان منطقی هیچ‌وقت عمل راجح را نمی‌آید ترک بکند.

# بیان برخی از اعمال شب نیمۀ شعبان و تأکید بر احیاء آن

 صحبت ما طولانی شد و وقت نماز مغرب شد و ما هم چون عازم هستیم، لذا دیگر از خدمت دوستان و سروران باید تودیع کنم. امشب شب نیمۀ شعبان است، امروز هم عرض کردم در [خدمت] دوستان که بودیم:[[12]](#footnote-12) امشب شب احیا است و تمام اولیا و تمام بزرگان نسبت به احیای امشب خیلی تأکید داشتند، و خود مرحوم آقا هم شب‌های نیمۀ شعبان را با همین دوستانشان احیا می‌گرفتند؛ البته در همان زمانی که در طهران بودند، ولی بعد که به مشهد مشرّف شدند دیگر دستور می‌دادند که: «هر کسی در منزل خودش باشد.» و یادم است که خودشان هم دعای کمیل می‌خواندند در همین شب با همان دوستان به‌اصطلاح خصوصی‌شان. و دعای جوشن هم وارد است،[[13]](#footnote-13) دعای کمیل هم وارد است،[[14]](#footnote-14) دعای فرج برای ظهور آن حضرت هم ـ عرض می‌شود که ـ وارد است.

# اهمیت دعا برای ظهور و فرج باطنی امام زمان علیه السّلام

البته وقتی که در دعای فرج انسان ظهور ظاهری را از خداوند متعال طلب می‌کند، باید در وهلۀ اول آن ظهور باطنی را برای خودش طلب کند ها! این مهم است مسئله. ظهور باطنی برای انسان طلب بشود و آن بایستی مورد طلب انجام [بگیرد]؛ حالا چه ظهور باشد ـ چه ظهور ظاهر ـ یا نباشد! چطور اینکه در روایات هم از امام صادق علیه السّلام در این مسئله ـ عرض کنم که ـ روایاتی داریم.[[15]](#footnote-15)

در هر صورت، احیای امشب خیلی مستحب است.[[16]](#footnote-16) البته این‌طور تصور نکنید که تمام شب را حتماً بیدار باشید، نه، برای رفع خستگی [اگر] یک مقداری استراحت بکنید اشکالی ندارد. و خلاصه بدانید که شب، شب بسیار مهمی است و نظیر امشب کم پیدا می‌شود! و خلاصه از دست ندهید فرصت را که فرصت باز نمی‌گردد.

امیدواریم که ما را هم از دعا فراموش نکنید و ـ عرض کنم که ـ این حقیر فقیر مسکین را هم مدّ نظر داشته باشید که امیدواریم که به‌واسطۀ توجهات امام زمان علیه السّلام، عنایت آن حضرت و الطاف بی‌شائبۀ آن حضرت در دنیا و آخرت همیشه مُمِدّ و مؤیّد ما باشد.

اللَهمّ صلّ علیٰ محمّدٍ و آلِ محمّد[[17]](#footnote-17)

1. الکافی، ج 1، ص 25، به نقل از امام باقر علیه السّلام: «إذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ اللهُ یَدَه علیٰ رُؤوسِ العِبادِ؛ فَجَمَعَ بها عُقولَهم و کَمُلَت به أحلامُهُم.». نور ملکوت قرآن، ج 2، ص 440:

«زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند دست خود را بر سرهای بندگانش می‌گذارد و با این دست، عقل‌هایشان را جمع می‌کند و خردها و اندیشه‌ها و قوای تفکیریّه‌شان کامل می‌گردد.» [↑](#footnote-ref-1)
2. به‌عنوان‌نمونه رجوع شود به مطلع انوار، ج 1، ص 290. [↑](#footnote-ref-2)
3. روح مجرّد، ص 499. [↑](#footnote-ref-3)
4. رجوع شود به الأربعون حدیثاً، رازی، ص 81. [↑](#footnote-ref-4)
5. کلّیات عراقی، ص 299:

به طواف کعبه رفتم به حرم رَهَم ندادند \*\*\* که برونِ در چه کردی که درون خانه آیی؟ [↑](#footnote-ref-5)
6. الکافی، ج 1، ص 25، به نقل از امام باقر علیه السّلام: «إذا قامَ قائِمُنا وَضَعَ اللهُ یَدَه علیٰ رُؤوسِ العِبادِ؛ فَجَمَعَ بها عُقولَهم و کَمُلَت به أحلامُهُم.». [↑](#footnote-ref-6)
7. عنوان بصری، ج 2، مجلس 11 و 12. [↑](#footnote-ref-7)
8. رجوع شود به تفسیر العیّاشی، ج 1، ص 64 ـ 66؛ الغیبة، نعمانی، ص 280. [↑](#footnote-ref-8)
9. دیوان شاه نعمت‌الله ولی، مثنوی 56:

ره چنان رو که رهروان رفتند \*\*\* راه رفتند و ناگهان رفتند [↑](#footnote-ref-9)
10. دوبیتی‌های بابا طاهر، شمارۀ 40:

دلا خوبان دلِ خونین پسندند \*\*\* دلا خون شو که خوبان این پسندند

متاع کفر و دین بی‌مشتری نیست \*\*\* گروهی آن گروهی این پسندند [↑](#footnote-ref-10)
11. امثال و حکم، ج 3، ص 1300: «گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست؟» [↑](#footnote-ref-11)
12. نرم‌افزار جامع آوای ملکوت، سخنرانی، عنوان بصری، جلسه 13. [↑](#footnote-ref-12)
13. لازم به ذکر است که روایتی به‌خصوص برای خواندن این دعا در این شب وارد نشده است، گرچه از عمومات ورود این دعا می‌توان استفادۀ چنین معنایی کرد. رجوع شود به بحار الأنوار، ج 91، ص 382.

گفتنی است اولیای الهی به خواندن این دعای شریف در خصوص شب نیمۀ شعبان مبادرت می‌ورزیدند و شاگردان خود را نیز توصیه به قرائت آن می‌نمودند. جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به: عنوان بصری، ج 2، ص 217؛ نرم‌افزار کیمیای سعادت، متن جلسات شرح حدیث عنوان بصری، ص 2579 و 3060. (محقق) [↑](#footnote-ref-13)
14. مصباح المتهجّد، ج 2، ص 844. [↑](#footnote-ref-14)
15. رجوع شود به الکافی، ج 1، ص 371 و 372. [↑](#footnote-ref-15)
16. رجوع شود به ثواب الأعمال، ص 77؛ الإقبال، ج 3، ص 323؛ مصباح المتهجّد، ج 2، ص 853. [↑](#footnote-ref-16)
17. خوانندۀ گرامی! به اطلاع می‌رساند که این جلسه، ضمن کتاب شریف «آموزه‌های ولایت، جلد 3، مجلس 1» به زیور طبع آراسته شده است. (محقق) [↑](#footnote-ref-17)